

روش‌های جذب جوانان

عشرت رنجبر*

چکیده

توجه به جوانان به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه انسانی یک جامعه، اهمیت فراوانی دارد و جامعه سالم، پویا و پیشرفته، نیازمند جوانان تربیت‌شده و دین‌دار است. گرچه جوان به‌طور فطری دین‌باور و تربیت‌پذیرست، جوان امروز در جامعه‌ای روزگار می‌گذراند که جهانی‌شدن، فضای مجازی و تهاجم فرهنگی می‌تواند هویت مذهبی او را دگرگون سازد. این پژوهش با در نظر داشتن آسیب‌های دین‌داری، در پی آن است که راهکارهای جذب جوانان به دین و نهادینه‌سازی دین‌داری را تبیین کند. ضروری است والدین و مربیان به منظور جذب جوانان به دین، در تعاملی سازنده، ضمن شناخت ویژگی‌های جوان و احترام به عقاید وی، با او رابطه‌ای همدلانه برقرار کنند و از سوی دیگر، ضمن هم‌سو کردن گفتار و رفتار خویش، با خردورزی در بیان گزاره‌های دینی، معرفی صحیح دین، پاسخ به پرسش‌ها و شبه‌های جوانان، زمینه جذب آنان به دین و مصونیت‌بخشی در برابر تهاجم فرهنگی را فراهم سازند.

کلیدواژه‌ها

دین، باورهای دینی، جوانان، ایمان.



مقدمه

جوانان به دلیل نقش آفرینی در سازندگی و بالندگی جامعه، آماج تهاجم مفسدان هستند. مکاتب و گرایش‌های اعتقادی از پاسخگویی به بایسته‌ها و نبایسته‌های تربیتی جوانان اظهار عجز کرده‌اند و فرجام این نگرش، بی‌معنابودن زندگی، نگرانی و سردرگمی جوان معاصر است. به‌منظور پی‌ریزی جامعه سالم، باید تربیت جوانان در صدر برنامه‌های والدین و تصمیم‌سازان جامعه قرار گیرد؛ جوانانی که اگر احساس جوانی‌شان با شعور عمیق دینی تجهیز شود، سعادت آنها و جامعه تضمین خواهد شد. در واقع غفلت از تربیت و هدایت نسل جوان، موجب خسران خانواده و جامعه است. بر این اساس توجه به ارزش‌های دینی و تقویت باورهای دینی جوانان، از جمله نیازهایی است که باید بیش از پیش در خانواده و جامعه به آن توجه شود؛ زیرا دین از طریق شناساندن مبدأ، مقصد و مسیر حرکت و به‌طور کلی با شناساندن هدف زندگی، مسیر حرکت و الگوهای رفتاری خاصی را به انسان ارائه می‌دهد. این کارکرد، آزمایش روانی را در فرد، خانواده و جامعه به همراه دارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تعریف دین

لغت‌شناسان معانی مختلفی همچون «طاعت»، «جزا»، «عادت»، «قهر»، «استیلا»، «تدبیر»، «سیره» و ... را برای دین برشمرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۱۶۷). همچنین از نظر اصطلاحی برای دین تعریف‌های متعددی ارائه شده است. از منظر علامه طباطبایی رحمته‌الله دین به عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی گفته می‌شود که پیامبران از سوی خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند و اعتقاد به این باورها و انجام‌دادن این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۰: ص ۴۱).

گزاره‌های دینی، در هیچ زمانی از خدا باوری و پرستش معبود خالی نبوده است؛ همچنان‌که کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) معتقد است طبیعت آدمی به نوعی ساخته شده است که به‌طور ذاتی وجود خدا را در خود احساس می‌کند؛ از این رو اگر به توحید هدایت نشود، در برابر معبودهای کاذب سر تعظیم فرود می‌آورد تا آن‌عطش درونی خود را سیراب کند (اسدی، ۱۳۸۲: ص ۳۷).

۱-۲. نقش دین در زندگی جوان

برای ایجاد جامعه سالم و تربیت جوان، نخست باید شناخت جوانان از دین بررسی شود؛ زیرا گزاره‌های دینی به‌مثابه نسخه جامعه‌ای قانون‌مند، متمدن و سالم است؛ از همین روست که در برخی روایت‌ها از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان «طیبی» یاد شده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۵۶) که با نسخه دین، بیماری‌های روحی مردم را درمان می‌کند. دین نقش بنیادی در کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی دارد؛ چنانکه گوستاو یونگ معتقد است که نبود روحیه دینی، موجب بروز اختلال‌های روانی می‌گردد (گوستاو یونگ، ۱۳۹۳: ص ۷۸). پژوهش‌های جدید نیز بیانگر آن است که دین‌داران کمتر هنجارشکنی می‌کنند. «جوانان کاتولیک که از دامن مادران مذهبی برخاسته‌اند، نسبت کوچکی را در میان بزهکاران حائز بوده‌اند؛ در صورتی که جوانانی که در دامن مادرانی تربیت شده‌اند که به‌طور نامنظم به کلیسا می‌رفتند یا اصولاً به کلیسا نمی‌رفتند، نسبت بالاتری را دارا بودند» (همان). در حقیقت زندگی بدون دین، زندگی رنج‌آور است. جان بی. کایزل (John B. Kaisal) می‌گوید: «بی‌ایمانی به‌خصوص از این لحاظ رنج‌آور است که دنیا و هر چه را که در اوست، در نظر ما لغو و بیهوده و ناپایدار جلوه می‌دهد؛ اما ایمان است که ما را در طوفان روزگار، از افتادن و مغلوب شدن نگاه می‌دارد. کسی که مذهب ندارد، غریقی است که مدام در دریای شک و تردید و بی‌تکلیفی دست و پا می‌زند ... و با اهل دنیا پیوسته در جدال و کشمکش است» (فلسفی، ۱۳۴۴، ج ۱: ص ۴۱۱).

۱-۳. شبیه‌های جذب جوانان به دین

با توجه به نقش‌آفرینی دین در فرایند زندگی جوانان، برخی از شبیه‌های جذب جوانان به دین عبارتند از:

۱-۳-۱. شناخت جوان

شناختن تمایلات فطری، طبیعی و آرزوهای جوانان و ارضای صحیح آنها، اساسی‌ترین پایه تربیتی نسل جوان است. مربی لایق کسی است که ساختمان طبیعی جوانان را بشناسد و با بررسی همه‌جانبه، به خواش‌های درونی آنان پی برده و سپس هر کدام را در جای خود و با اندازه‌گیری صحیح و عاقلانه ارضا نماید (همان: ص ۱)؛ بنابراین جذب جوان به دین، نیازمند



شناخت ابعاد شخصیت جوان است؛ زیرا هرگونه برنامه‌ریزی، نیروسازی و افزایش دین‌باوری جوانان، بر شناخت ظرفیت، احساسات، استعداد و خواسته‌های آنان مبتنی است. جوان به دلیل کم‌تجربگی، احساسات و مشکلات بلوغ، به گونه‌ای طبیعی خطاپذیر است. روحیه استقلال‌طلبی‌اش، زمینه چالش‌ها و تضادهایی را میان او و بزرگ‌ترها پدید می‌آورد؛ از این رو باید با او هوشمندانه رفتار کرد و به خاطر سپرد که رفتار نسنجیده، برای همیشه جوان را از ورود به مسائل دینی برحذر می‌دارد. از نظر استاد مطهری «فکر اساسی این است که ما درد عقلی و فکری این نسل را بشناسیم. بدون شناخت درد این نسل، هرگونه اقدامی بی‌مورد است» (مطهری، ۱۳۹۸: ص ۱۸۳-۱۸۷).

۲-۳-۱. احترام به عقاید جوان

غریزه حب ذات که بر اساس حکمتی الهی در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است، آدمی را برمی‌انگیزد تا به دیگران اجازه «تحقیر شخصیت» خویش را ندهد (تتکابی، ۱۳۷۹: ص ۵۹۹)؛ از این رو یکی از خواهش‌های طبیعی جوان این است که به شخصیت‌اش احترام گذاشته شود. اگر با نوجوانی رفتار کودکانه شود، سخت ناراحت می‌شود؛ زیرا احساس می‌کند که عقایدش را محترم نمی‌شمارند (شرفی، ۱۳۸۰: ص ۴۵). «تکریم شخصیت» احساس ارزش را در فرد بالا می‌برد و «نکوداشت» شخصیت جوان، موجب «گناه‌ستیزی» او می‌شود؛ زیرا کسانی که در درونشان احساس عظمت می‌کنند، از گناه دست می‌شویند و به‌عکس تحقیر جوان، زمینه گناه‌پذیری‌اش را مهیا می‌سازد و او را ناامید و سرگردان در جامعه پیچیده و دشوار معاصر رها می‌کند (همان: ص ۴۷)؛ بنابراین تنها با اعتمادسازی است که می‌توان جوان را به دین جذب کرد و مسائل دینی را به او آموزش داد. چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيئَةُ فَمَسْنُ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلْتُ عَلَيَّهِ؛ دل‌های مردم وحشی است؛ پس هرکسی بتواند با آنها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۷۷، ح ۵۰).

گاهی جوان بر عقیده خود پافشاری می‌کند؛ زیرا آن را حق می‌داند، اگرچه از دیدگاه والدین باطل باشد. باید توجه داشت که توهین به عقیده و نظر جوان، توهین به همه وجودش خواهد بود؛ از همین رو اسلام به مسلمانان دستور می‌دهد به عقاید همگان احترام بگذارند و حتی از توهین کردن به بت‌پرست‌ها خودداری کنند (انصاری، ۱۳۸۸: ص ۲۷). برخی والدین به‌رغم حسن نیت درونی با فراموش کردن مشکلات دوران نوجوانی خود، نمی‌توانند روحیات و

احتیاج‌های فرزندشان را درک کنند؛ از این رو اغلب همان اشتباهاتی را مرتکب می‌شوند که پدران و مادران خودشان در تربیت آنها مرتکب شده‌اند و همیشه با این پرسش مواجه‌اند که چرا فرزندانشان از آنها فرار می‌کنند و در هیچ کاری با آنها مشورت نمی‌کنند.

۳-۱. پاسخ به شبهه‌ها و پرسش‌های جوان

به باور روان‌شناسان، دوران بلوغ و جوانی، دوره‌ی بروز احساسات مذهبی و شکفته‌شدن تمایلات ایمانی و اخلاقی است. جوان مایل است از مبدأ عالم باخبر شود، خداوند را بشناسد و بدین وسیله تمایل فطری خود را ارضا کند (فلسفی، ۱۳۴۴، ج ۱: ص ۳۴۰-۳۴۱). جوان از نادرستی و بداخلاقی دیگران رنج می‌برد و آرزو دارد که فضایل اخلاقی بر جهان حاکم باشد و مردم به راستی و درستی قدم بردارند. موریس دبس (Maurice Debesse) می‌گوید: «در حدود ۱۵ - ۱۷ سالگی، جوانان به ندای تقدس یا شجاعت به لرزه درمی‌آیند. آرزومند می‌شوند که جهان را از نو تشکیل دهند، بدی را محو و نابود سازند (همان: ص ۳۲۴). مردم به‌ویژه جوانان با سؤال‌های مختلفی همچون «من کیستم و از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم» روبه‌رو هستند که باید به این سؤال‌ها پاسخ‌های قانع‌کننده ارائه داد تا مانع گرایش و تمایل جوان به مکتب‌ها و گرایش‌های دیگر شد. هنگامی که جوان در برابر شبهه‌ها و القانات فکری مکاتب و فلسفه‌های مختلف قرار می‌گیرد و پاسخ منطقی در برابر شبهه‌ها و پرسش‌های آنها نداشته باشد، ناگزیر یا خود را به مذهب بیگانه معرفی می‌کند تا بر احساس حقارت خود به دلیل ناتوانایی‌ها در مقابل دیگران سر پوش بگذارد و یا آنچنان خودباخته می‌شود که مسلک آنها را می‌پذیرد. از این روست که در روایت‌های اسلامی بر حفظ جوان از گرایش به مکاتب انحرافی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُؤِجَّئَةُ؛ فرزندان را آموزش دهید پیش از آنکه مرجئه^۱ آنها را منحرف سازند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ص ۴۷).

به باور استاد شهید مطهری، ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابلای اندیشه‌ها و عقاید آنان باید جستجو کرد. فکر این نسل از نظر مذهبی آن‌چنان که باید راهنمایی نشده است و از این نظر بسیار نیازمند راهنمایی است (همان، ج ۱۹، ص ۳۷۷). در عصر حاضر که دشمنان با استفاده از ابزاری مانند ماهواره و اینترنت، مبانی دینی جوانان را نشانه گرفته‌اند، والدین

۱. یکی از گروه‌های منحرف مذهبی.



وظیفه دارند در برابر این روش مقابله کنند؛ یعنی والدین با برخورداری از دانش استفاده از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و به‌روزرسانی خود، افزون بر گشودن راه گفتگوی «دو طرفه» با آگاه‌سازی و هشدارهای لازم به فرزندان خود، آنان را در مقابل بزرگراه‌های اطلاعاتی و فضاهای سایبری واکسینه نمایند؛ زیرا رسالت تربیت والدین اقتضا می‌کند نسبت به مقتضیات زمان آگاه باشند؛ به گونه‌ای که بتوانند پیشامدهای آینده را نیز پیش‌بینی و درمان کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ...؛ مسائل پیچیده بر عالم آگاه به زمان شیخون نمی‌زند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۱، ص: ۲۶). امام علی علیه السلام نیز این مطلب را این‌گونه بیان کرده است: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ؛ آگاه‌ترین مردم به زمانه کسی است که از پیش آمدهای روزگار تعجب نکند» (لیثی، ۱۳۷۶: ص ۱۲۶). همچنین امام علی علیه السلام در ادامه می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الْأَيَّامَ لَمْ يَغْفُلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ؛ آن‌که وضع روزگار را بشناسد، از آمادگی غافل نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۸، ص: ۲۳).

۴-۳-۱. انعطاف‌پذیری و همدلی با جوان

جوان موجودی عاطفی و زودرنج است که اگر با او با همدلی رفتار شود، به راحتی می‌توان در قلبش نفوذ کرد؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَوْصِيكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَحَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ؛ شما را به نیکی با جوانان سفارش می‌کنم؛ زیرا آنان دل‌های رقیق‌تری دارند. به راستی که خداوند مرا بشارت‌دهنده و هشداردهنده برانگیخت. جوانان با من هم‌پیمان شدند و پیران با من مخالفت کردند» (حقی برسوی، بی‌تا، ج: ۷، ص: ۵۷). با جوان باید انعطاف‌پذیر بود؛ زیرا به سبب روحیات جوانی‌اش در معرض لغزش است. امام علی علیه السلام فرموده است: «جَهْلُ الشَّابِّ مَغْدُورٌ وَ عِلْمُهُ مَحْقُورٌ؛ نادانی جوان، غیر قابل ملامت و علم او اندک است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص: ۳۳۹).

شخصیت استقلال‌طلب جوان، نه تنها امور تحمیلی را نمی‌پذیرد؛ بلکه در مقابل آن مقابله نیز خواهد کرد؛ از این رو شایسته نیست آموزه‌های دینی را به او تحمیل کرد؛ بلکه باید آنها را به صورت جذاب به جوان عرضه کرد و با همدلی و همراهی او در زمینه‌های مختلف و برقراری ارتباط عاطفی، او را به مسیر درست هدایت کرد. روح آسیب‌پذیر جوان در برابر برخورد قهرآمیز واکنش نشان می‌دهد؛ بنابراین هرگز نباید با او به‌ویژه در آموزش آموزه‌های دینی، رفتاری خشن و خشک داشت. آموزش مسائل دینی به جوان نباید به گونه‌ای باشد که به شخصیت او صدمه



بزند؛ از این رو بهتر است از جملاتی مانند «این سخن در شأن شما نیست» و «شأن شما بالاتر از اینهاست»، «شما سرمایه‌های این مملکت هستید و جامعه و تاریخ به شما امید دارد» استفاده شود.

۵-۳-۱. همسویی گفتار و رفتار والدین

والدین به عنوان دو رکن اساسی خانواده، نقشی کلیدی در رفتار و باورهای فرزند ایفا می‌کنند؛ زیرا فرزند زمان بیشتری را در کنار آنها سپری می‌کند و با الگوبرداری از رفتارهای ایشان، بسیاری از آداب دینی و معاشرت را می‌آموزد. در حقیقت اولین قهرمانان زندگی فرزندان، والدین هستند. بر اساس برخی پژوهش‌ها «بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات از خود سستی نشان می‌دهند، به دین و تکالیف دینی بی‌اعتقاد نیستند؛ بلکه بی‌توجهی یا عدم تقید والدین نسبت به انجام دادن به موقع تکالیف دینی و عبادی سبب چنین امری است؛ چنانکه مشاهده‌ی صحنه‌های عبادت والدین بر فرزندان تأثیر می‌گذارد؛ زیرا تجربه، تفکر و تعلیم، وسایلی هستند که به انسان قدرت تشخیص می‌دهد» (احمدی، ۱۳۸۵: ص ۸۱).

یکی از جوانان در مصاحبه‌ای چنین می‌گوید: «علت اصلی نماز نخواندن و حجاب نداشتنم، خانواده‌ام هستند. هیچ کس در خانواده‌ام نماز نمی‌خواند؛ آخر حجاب یا نماز برایشان غیرعادی است و من خجالت می‌کشم نماز بخوانم. حس می‌کنم با این کار منزوی می‌شوم، نمی‌توانم در این راه مبارزه کنم؛ قدرتش را ندارم. می‌ترسم از جمع طرد شوم. درباره حجاب هم نمی‌توانم تصمیم بگیرم؛ چون می‌خواهم دائمی باشد. دوست ندارم مثل یکی از دخترهای فامیل باشم که مدتی حجاب داشت و بعد به دلیل فشار بقیه برداشت. نمی‌خواهم سر زبان‌ها بیفتم» (شکوهی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۰).

ناهمگونی گفتار و رفتار والدین، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های تربیت دینی است که سبب تضعیف باورهای دینی جوان و بی‌اعتمادی آنها به والدین در دیگر مؤلفه‌ها می‌شود. قرآن در نکوهش چنین رفتاری می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که بدان عمل نمی‌کنید» (صف: ۲ و ۳؛ نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ص ۲۴۹).

بنابراین والدین وظیفه دارند جهت جذب جوانان به دین، رفتار و گفتار همسو داشته و در عمل به



آموزه‌های دینی پیش قدم باشند؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْتَدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سَبِيْرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ آنکه خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به تأدیب خود بپردازد؛ بیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید و آنکه خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد» (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۲: ص ۱۰۴).

شهید مطهری می‌گوید: «هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می‌کنند، ولی از حکما و فلاسفه آن قدرها پیروی نمی‌کنند، چرا؟ برای اینکه فلاسفه فقط می‌گویند، فقط مکتب دارند، فقط تئوری می‌دهند؛ در گوشه حجره‌اش نشسته است، پی در پی کتاب می‌نویسد و تحویل مردم می‌دهد. ولی انبیا و اولیا تنها تئوری و فرضیه ندارند، عمل هم دارند. آنچه می‌گویند اول عمل می‌کنند. حتی این طور نیست که اول بگویند بعد عمل کنند، اول عمل می‌کنند، بعد می‌گویند. وقتی انسان بعد از آنکه خودش عمل کرد، گفت، آن گفته اثرش چندین برابر است» (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱۷: ص ۲۵۴).

۶-۳-۱. نهادینه‌سازی دین‌باوری در خانواده

خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت، نقش بسزایی در جذب جوانان به دین دارد؛ چنانچه بیشتر جوانانی که دین خود را حفظ کرده‌اند، از خانواده دین‌دار بوده‌اند. والدین می‌توانند با آموزش گزاره‌های قرآنی، فرزندان خود را با معارف بلند قرآنی آشنا سازند؛ زیرا قرآن تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را در بردارد. تلاوت آن، کلید ارتباط با خداست و تدبیر در آیات جان‌بخشش، سبب بیداری دل، شکوفایی استعداد و بروز خلاقیت در فرزند می‌شود (رضائیان، ۱۳۹۳: ص ۶۵). مادر در انتقال مفاهیم دینی برای فرزندان می‌تواند نقش بیشتری داشته باشد (احسانی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۳)؛ چنانکه زندگی‌نامه بسیاری از علما گویای این است که مادرانشان به آنها قرآن خواندن را می‌آموختند و آنها را بر اساس آموزه‌های قرآنی پرورش می‌دادند. برای مثال مادر علامه جعفری، قرآن را به فرزندش محمدتقی تعلیم داد. علامه جعفری می‌گوید: «نخستین بار مادرم قرآن را به من یاد داد. حتی یادم می‌آید یک‌بار که به مشهد می‌رفتیم، در طول راه مادرم قرآن می‌خواند و میان راه که برای استراحت و نماز توقف کردیم، فرزندانش را دور خودش جمع کرد و یک سوره قرآن را به ما تعلیم داد» (ماهانامه جامعه، ۱۳۸۴).

آیت الله جوادی آملی راه اصلاح انسان‌ها را انس با قرآن می‌داند و می‌فرماید: «بهترین راه صلاح، انس با قرآن است. قرآن، حبل (ریسمان) الهی است که انس با آن و تدبیر در آن و ایمان و عمل به آن، انسان را بالا می‌برد و به مقام صالحین ملحق می‌سازد؛ تحت ولایت‌الله قرار می‌دهد. اگر انسان مشمول ولایت‌الله بود، آموزش را خدا اداره می‌کند و در آن مقام، دیگر راهی برای وسوسه و رخنه اهریمن نیست» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۲۳۷-۲۴۰).

انس و تلاوت قرآن، انسان را زیر پوشش ولایت الهی می‌برد تا وسوسه‌های تبلیغات سوء، بر باورهای دینی او اثر نکند؛ به‌ویژه اگر قرآن در فصل شکوفایی عمر، یعنی سن جوانی و نوجوانی خوانده شود. در روایات آمده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ؛ کسی که در سن جوانی قرآن بخواند، قرآن با خون و گوشت او آمیخته می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۶۰۳). این در حالی است که متأسفانه برخی خانواده‌ها نسبت به تربیت دینی و آموزه‌های قرآنی فرزندانشان بی‌توجه هستند تا آنجا که گاه در طول سال سخنی از قرآن و مسائل دینی در جمع آنها مطرح نمی‌شود. در چنین فضایی بی‌اعتنایی به دین عادت می‌شود و به جامعه نیز سرایت می‌کند؛ زیرا بسیاری از کارهای ناپسند هرگاه در خانواده به صورت عادت در آید، در اجتماع نیز نمود می‌یابد؛ از این رو باید در انتقال مفاهیم دینی به فرزندان، بیشتر به عمل توجه شود. رغبت داشتن جوان به مسائل دینی، ناشی از عوامل محیطی و خانوادگی است؛ در حالی که تربیت دینی بر اساس آموزه‌های دینی، از وظایف اولیه والدین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ؛ ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست حفظ کنید» (تحریم: ۶).

۱-۳-۷. تبیین صحیح سیره و گفتار معصومان (ع)

بنا بر آموزه‌های دینی، گوشت و پوست مردم ما و به‌ویژه جوانان، با عشق و محبت اهل بیت علیهم‌السلام آمیخته است (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۲۳). گزاره‌های معارف والای اهل بیت علیهم‌السلام به‌گونه‌ای است که اگر هوشمندانه معرفی شود، بیشتر جوانان بدان گرایش می‌یابند. شواهد و قرائن نیز نشان می‌دهد که بسیاری از انسان‌ها در سراسر جهان، عاشق و دل‌باخته اهل بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام هستند. تدوین صدها اثر فاخر برای اهل بیت علیهم‌السلام و شرکت میلیون‌ها زائر در راهپیمای اربعین سیدالشهدا علیه‌السلام می‌تواند شاهد بر این ادعا باشد؛ همان‌گونه که امام رضا علیه‌السلام فرمود: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۳۰۷). امام باقر علیه‌السلام نیز به خیمه فرمود:

«إِنَّ شَيْعَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُقَدِّفُ فِي قُلُوبِهِمُ الْحُبُّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُلْهَمُونَ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَإِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّنَا وَيَحْتَمِلُ مَا يَأْتِيهِ مِنْ فَضْلِنَا وَلَمْ يَرْنَا وَلَمْ يَسْمَعْ كَلَامَنَا لِمَا يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ؛ شیعیان ما محبت در دلشان افکنده می شود و آنان ما را دوست دارند؛ در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده اند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴: ص ۱۵۱).

۸-۳-۱. معرفی صحیح دین

هرچند اصل دین و اصول آن ثابت و تغییرناپذیر است، از دین می توان برداشت های گوناگون ارائه داد. نوع برداشت و تلقی از دین، نقش اساسی در ترویج یا تنفر از آن دارد؛ از این رو برای تقویت باورهای دینی جوانان و دین پذیری بیشتر آنان، باید قرائت صحیح و رسایی از مفاهیم دینی به جوان ارائه شود؛ همچنان که ارائه دین در قالب های نارسا و نادرست، می تواند آسیب های اساسی به دین و دین داری وارد کند.

بر اساس تحقیقات روان شناسان، معرفی صحیح دین و ارائه کارکردهای درست آن به مردم، تأثیر بسزایی بر سلامت روانی، کاهش علائم بیماری و ناراحتی دارد؛ بنابراین میان دین و بهداشت روانی، رابطه مثبتی وجود دارد (سالاری فر، ۱۳۹۰: ص ۱۷۳). ویکتور فرانکل (Viktor Frankl) معتقد است: «التیام فرد و جامعه فقط با مراعات سه جنبه انسانی یعنی جسمی، روانی و دینی حاصل می شود و بیمار را باید با هسته معنوی خودش آشنا ساخت» (همان، ص ۱۷۱). با معرفی صحیح دین می توان جوان را به سوی آن جذب کرد؛ زیرا همسو با فطرت ذاتی اوست. بر این اساس یکی از راه های جذب جوانان به دین معرفی صحیح آموزه های دینی است؛ زیرا نتیجه آن همسویی با فطرت است که خداوند در نهاد انسان نهادینه کرده است، اما اگر دین به درستی معرفی نشود، جوان از دین گریزان می شود؛ زیرا در آن صورت آنچه را که می بیند، با آنچه خواست طبیعی اوست تضاد دارد. متأسفانه امروزه برخی والدین در معرفی اسلام افراط و تفریط می کنند؛ چنانچه برخی والدین در آموزش آموزه های دینی سخت گیری می کنند و با اجبار فرزندان خود را حتی پیش از سن تکلیف به نماز وادار می کنند یا درباره پوشش فرزندان بی توجه به شرایط سنی و ویژگی های فردی سخت گیری های غیرلازم دارند که با آموزه های دینی همسویی ندارد. همچنین بعضی والدین نتوانسته اند «دین» را به شکل صحیح و کارآمد به نسل جوان تفهیم کنند؛ به گونه ای که جوان حس می کند نیاز به معنویت تنها در هنگام سختی ها و گرفتاری ها مفید است و در دیگر مواقع نیازی به دین نیست؛ از این رو برای دین نقشی در زندگی روزمره خود قایل

نیستند.

با تأسف امروزه عملکرد برخی والدین از یک سو و معرفی اسلام به عنوان دین خشونت از سوی دیگر، سبب شده است برخی جوانان از دین گریزان شوند، این در حالی است که اسلام دین سهل و آسان است؛ چنان که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ خداوند مرا به آیینی پاک، آسان و با گذشت برانگیخته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۴۹). امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرموده است: «سَلَامَةُ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا فِي مُدَارَاةِ النَّاسِ؛ سلامتی دین و دنیا در مدارای با مردم است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۸۵). ساختار قوانین و احکام الهی، بیانگر آن است که روح احکام اسلامی با آسان‌گیری همراه بوده و بسیاری از واجبات دینی به توانایی جسمی و مالی مانند استطاعت برای حج مشروط است. قرآن «آسان‌گیری» را یکی از اصول شریعت معرفی کرده است: «لَا يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵). همچنین مهربانی و آسان‌گیری بر مردم را عامل جذب آنان به دین و سخت‌گیری و فشار را عامل گریز از آن معرفی می‌کند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل‌عمران: ۱۵۹) و پیامبران را به نرم‌گویی با سردمداران کفر و فساد و نهی از زشت‌گویی فرمان داده است: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ» (طه: ۴۴).

ویل دورانت در این باره می‌نویسد: «اسلام طی پنج قرن از سال ۸۱ تا ۵۹۷ هجری، از لحاظ نیرو و نظم و بسط - قلمرو و اخلاق نیک و تکامل سطح زندگی و قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی [احترام به عقاید و افکار دیگران] و ادبیات و تحقیق علمی و علوم و طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود» (سلیمی، ۱۳۹۴: ص ۷۹-۱۱۲). البته تسامح به معنای غربی (Toleran) در اسلام پذیرفتنی نیست؛ زیرا رفق و مدارا با غیرمسلمان حد و مرزی دارد و نباید تسامح با آنان از حد بگذرد و یا زمینه ناتوانی اسلام و مسلمانان را فراهم کند که در این صورت مدارا با کافران حرام است. در حقیقت مدارا با غیرمسلمانان به این شرط خوشایند است که اساس اسلام و مصالح بشریت را به خطر نیندازد (مطهری، ۱۳۶۳: ص ۱۶۸). همچنین تسامح به معنای سهل‌انگاری در اجرای حدود جایز نیست؛ چنانچه برخی که از اجرای عدالت امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ رنج می‌بردند، به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شکایت کردند و از رفتار امام عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابراز ناراحتی کردند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ، این پیام را به شاکیان رساند که «اِزْفَعُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ خَشِينٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ غَيْرٌ مُدَاهِنٍ فِي دِينِهِ؛ زبان خود را از بدگویی علی بازدارید که او در اجرای



دستور خداوند، بی‌پروا و سخت‌گیر است و اهل مداهنه و سازش در دین خدا نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱: ص ۳۸۵). امام علی علیه السلام ابوالاسود دثلی - قاضی بزرگ - را به صرف اینکه در تن صدا میان دو طرف دعوا به عدالت رفتار نکرده و با یکی از آنها بلند حرف زده بود، از قضاوت عزل کرد (نوری، ج ۳، ص ۱۹۷).

۹-۳-۱. خردورزی در بیان گزاره‌های دینی

جوان به سبب روحیه کاوشگر و تحلیل‌گرش، بیشتر مطالبی را می‌پذیرد که مبتنی بر عقل و توأم با استدلال باشد؛ بنابراین باید معارف دینی را به صورت تحلیلی، استدلالی و تطبیقی برای او بیان کرد تا ضمن قبول گزاره‌های دینی، با آگاهی و با انگیزه قوی‌تر به تعالیم دین روی آورد. شاید از همین روست که قرآن انسان را به ایمان که بالاتر از مرحله اسلام است فرامی‌خواند (حجرات: ۱۴)؛ بنابراین والدین باید با مطالعات گسترده، به بیان آموزه‌های دینی بپردازند. اگر امروزه برخی سخنرانی‌ها، آثار علمی و معارفی جذابی ندارد، از این روست که مطالب توأم با استدلال ارائه نمی‌شود. قرآن هر گاه از واقعیت و پذیرش حق و دین سخن گفته، آدمی را به عقل‌گرایی سفارش کرده است؛ از همین رو در آیات و روایات بر عقلانی بودن آموزه‌های دینی تأکید و از گرایش به هرگونه خرافه‌گرایی نهی کرده‌اند. کتاب *علل الشرایع* اثر شیخ صدوق شاهد خوبی بر این ادعاست؛ زیرا در این کتاب روایت‌هایی از معصومین علیهم السلام گردآوری شده است که به چرایی و فلسفه احکام الهی اشاره دارد. البته این بدان معنا نیست که فلسفه همه احکام الهی معلوم است و چرایی همه آموزه‌های دینی بیان شده است؛ زیرا برخی احکام الهی تعبدی هستند و تنها خداوند علت آن را می‌داند.

۱۰-۳-۱. مصونیت‌سازی در برابر تهاجم فرهنگی

تقویت باورهای دینی فرزندان از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا باورهای دینی، تعهد جوانان و نوجوانان را به دین بیشتر و لغزش اینان را کمتر می‌کند. امام علی علیه السلام درباره بازدارندگی دین از کارهای ناشایست می‌فرماید: «الَّذِينَ يُعْصِمُ» دین، از لغزش باز می‌دارد» (لیثی، ۱۳۷۶: ص ۳۵).

به دلیل تأثیرگذاری اعتقادات در رفتار انسان است که امروزه دشمنان قبل از هر چیز عقاید جوانان را نشانه رفته‌اند. این مطلب امروزه در قالب فیلم، کتاب و شبکه‌های مجازی... نمود پیدا کرده است؛ چنانچه سازندگان معاند بازی‌های رایانه‌ای در بازی‌هایی با سبک آخرالزمان دینی،

اغلب مقرر حضور دشمنان نابودکننده جهان را مسجد یا محل‌هایی با نمادهای اسلامی انتخاب می‌کنند و فرد منجی (بیشتر سربازانی از ارتش آمریکا و انگلیس به عنوان پلیس صلح جهانی) پس از مبارزه با اهریمنان یا تروریست‌ها (که اغلب مسلمان هستند)، و پس از نجات‌دادن دنیا، جشن‌های پیروزی‌شان را در مکان‌هایی با طرح و شکل کلیسا می‌گیرد. چنین بازی‌هایی «این مفهوم را به ذهن کاربر منتقل می‌کنند که مسیحیان، عامل آرامش صلح و مودت و اسلام، عامل خشونت و ... است» (نک: برزگر و لعل‌علی‌زاده، مطالعات قدرت نرم: ص ۱۱۰)؛ از این رو استکبار از کارآمدترین حربه‌ها برای از میان‌بردن اعتقادات، ارزش‌ها و سنت‌های جوامع، یعنی جاذبه جنسی در جذب مخاطبان به‌ویژه جوان بهره می‌گیرد. فرانتس فانون (Frantz Fanon) می‌نویسد: «اولین اقدام ضد فرهنگی که فرانسه برای نابودی فرهنگ الجزایر انجام داد، از میان‌بردن عفاف و حجاب بود و در این کار موفق شد و هرچه بدن زن الجزایری را بیشتر عریان کرد، چنگال استعمارگر بیشتر به حلقوم الجزایری فرو رفت» (حسینیان، ۱۳۷۶: ص ۴۸).

برای حفاظت از جوانان در برابر شیخون‌های فرهنگی دشمن، باید والدین و مربیان تربیتی، جوان را با ماهیت واقعی فرهنگ غرب و فرهنگ اسلام بیشتر آگاه کنند تا جوان بدانند آنچه امروزه به نام فرهنگ غرب ارائه می‌شود با آنچه به حقیقت در آن جاری است، فرسنگ‌ها فاصله دارد؛ زیرا گزارش‌های منتشرشده از مراکز غربی در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد در پشت ظاهر فریبنده تبلیغاتی «برابری جنسیتی»، واقعیت تلخ دیگری در جریان است؛ به طوری که در مجاورت بسیاری از مدرسه‌های آمریکایی، مهد کودک وجود دارد و دختران کم سن و سال فرزندان نامشروع خود را به این مهدها می‌سپارند و به کلاس درس می‌روند! نتایج به دست آمده از نظرسنجی‌ها در آمریکا نیز نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد زنان در این کشور، مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند. امروزه بسیاری از زنان غربی به حجاب و امنیت و آرامش زنان مسلمان ایرانی غبطه می‌خورند (روح‌افزا، ۱۳۹۶). وندی شلیت، یک زن آمریکایی، می‌نویسد: «بسیاری از مردم گمان می‌کنند زنانی که روش زندگی همراه با عفاف پیشه کرده‌اند، افرادی هستند که با آنان بدرفتاری شده است یا اینکه آنان به نحوی از یک بحران روحی رنج می‌برند؛ درحالی که به هیچ‌وجه این‌گونه نیست و بیشتر این افراد بانشاط، سرزنده و فعال هستند. ما یک اعتقاد مهم را فراموش کرده‌ایم و آن، احترام به یک فضیلت خاص است. اندوهی که زنان جوان را در بر گرفته، نماد جامعه‌ای است که احترام به پاک‌دامنی زنانه را از دست داده است» (شلیت،



۱۳۹۷: ص ۹۷). اکنون برخی زنان غربی برخلاف سیاست‌های غرب، متوجه ارزش وجودی حجاب شده‌اند. روزنامه سان سنتیال می‌نویسد: «تعداد دختران بین ۱۸ تا ۳۰ سال که در ایالت فلوریدا با حجاب و روسری مشاهده می‌شوند، نسبت به یک دهه گذشته، افزایش چشمگیری داشته است. علت اصلی این امر، بی‌بندوباری‌ای است که در چند سال گذشته رایج شده است و اکنون در عکس‌العمل به آن، گرایش به پوشیدگی بیشتر در میان دختران جوان و نوجوان اوج می‌گیرد» (دوماهنامه حوراء، ۱۳۸۶). این اثر در کتابنامه نیست. اطلاعات دقیق در کتابنامه بیاید. در متن به نام نویسنده و سال چاپ و صفحه بسنده شود

اسلام حجاب را عامل امنیت و سبب حفظ حرمت و شخصیت زن می‌داند. امروزه صدها زن هیئت علمی، نظریه‌پرداز، استاد دانشگاه و... در چوامع اسلامی و... فعال هستند. دکتر هنری ماکوو (Henry Makowo)، نویسنده و پژوهشگر مسائل زنان و فعال در جنبش‌های آزادی‌بخش، در مقایسه زن غربی و زن مسلمان می‌نویسد: «روی دیوار دفترم دو عکس چسبانده‌ام: عکس اول تصویر زنی مسلمان و باحجاب است و در کنارش، تصویر زنی آمریکایی قرار دارد که در مسابقه ملکه زیبایی شرکت کرده و چیزی بر تن ندارد. زن نخست کاملاً پوشیده است و دیگری کاملاً عریان! من کارشناس مسائل زنان مسلمان نیستم. به همین دلیل اینجا، انگیزه‌ای برای دفاع از حجاب ندارم؛ ولی زیبایی زنان را دوست دارم و بدین‌رواز برخی ارزش‌هایی که حجاب گویای آن است، دفاع می‌کنم. تنها کسانی که زن مسلمان را بدون حجاب می‌بینند، خانواده او هستند و این مسئله، تأکیدی بر ویژه‌بودن زن مسلمان است. زن مسلمان ریشه‌ای است که زندگی و روح خانواده را استمرار می‌بخشد. فرزندان را تربیت می‌کند و زندگی می‌آموزد و یاری‌کننده همسر و پناهگاه اوست. در نقطه مقابل، ملکه زیبایی آمریکایی است. در برابر میلیون‌ها نفر در صفحه‌های تلویزیون عشوگری می‌کند. او ملکه‌ای عمومی است! زیبایی‌اش را در مزایده همگانی به بالاترین قیمت عرضه می‌کند...؛ در آمریکا معیار ارزش فرهنگی زن، جذابیت اوست. بر اساس این معیارها، ارزش زن به سرعت کاسته می‌شود؛ چون خود و اعصاب و روانش را برای خودنمایی به کار می‌گیرد». وی در ادامه می‌نویسد: «به‌شکل ویژه، وقتی زن، خود را وقف همسر و خانواده‌اش می‌کند و با وقار و تواضع رفتار می‌کند، باید چنین موضعی نسبت به او داشته باشم» (شفاف، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

جووانی دوره توانمندی و سازندگی، و فرصت بسیار مغتنمی برای بهره‌بردن از نعمت زندگی است. جوانان، به منزله قلب جامعه هستند که خون تازه را در شریان‌های حیاتی جامعه جاری می‌سازند و زمینه رشد و بالندگی جامعه را فراهم می‌کنند. از آنجاکه جوانان نقش مؤثر و سازنده‌ای در آینده کشور دارند، باید در تربیت آنان کوشید و با دقت و درایت و برنامه‌ریزی، از فساد و تباهی آنان جلوگیری کرد. با عنایت به اینکه در جامعه امروز آسیب‌های متعددی جوانان را تهدید می‌کند، جذب جوانان به دین و تقویت دین‌داری در آنان، موجب می‌شود دین به زندگی آنان معنا بخشد و از سرگردانی، انحرافات و بیهودگی نجات دهد.

کتابنامه

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تصحیح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صار.
۳. احسانی، محمد (۱۳۸۷)، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، قم: دفتر عقل.
۴. احمدی، سید احمد (۱۳۸۵)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۵. اسدی گرمارودی، اسدالله (۱۳۸۲)، راز و رمز نیایش، چ ۳، تهران: نشر سبحان.
۶. انصاری، علیرضا (۱۳۸۸)، «راهکارهای جذب جوانان به دین»، معارف اسلامی، ش ۷۷.
۷. برزگر، ابراهیم و محسن لعل‌علی‌زاده (۱۳۹۰)، «جنگ نرم، بازی‌های رایانه‌ای اسلام‌ستیز و پدافند غیرعامل»، مطالعات قدرت نرم، ش ۱.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح: سیدمهدی رجایی، قم: دار الکتب الاسلامی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، قرآن در قرآن، چ ۲، قم: اسراء.
۱۰. حسینیان، روح‌الله (۱۳۷۶)، حریم عفاف، چ ۴، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. حقی برسوی، اسماعیل (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، چ ۱، لبنان - بیروت: دار الفکر.



۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. روح‌افزا، فرشته (۱۳۹۶/۹/۲۳)، «نگرش زنان غربی درباره زنان شرقی»، در: خبرگزاری اهل بیت، <http://fa.abna24.com>.
۱۴. سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰)، بهداشت روانی با رویکرد دینی، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۴)، «اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین‌الملل»، حقوق اسلامی، ش ۴۷.
۱۶. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰)، جوان و نیروی چهارم زندگی، چ ۲، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری ایران.
۱۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۸. شفاف (اتاق شیشه‌ای خبر) (۱۳۸۸/۰۷/۰۲)، «توصیف زنان غربی و زن مسلمان از نگاه استاد آمریکایی»، کد خبر ۸۷۶۳.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. فرید تنکابنی، مرتضی فرید (۱۳۷۹)، راهنمای انسانیت: کلمات قصار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: سیری دیگر در نهج الفصاحه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. فلسفی، محمدتقی (۱۳۴۴)، جوان از نظر عقل و احساسات، چ ۱۵، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. گوستاویونگ، کارل (۱۳۹۳)، خود ناشناخته (فرد در جامعه امروزی)، ترجمه: مهدی قائنی، چ ۲، تهران: جامی.
۲۵. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث.



۲۶. (۱۳۸۴)، «گفت‌وگو با خانواده علامه جعفری»، ماهنامه جامعه، ش ۱۴.

۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۸. علی شکوهی (۱۳۹۳)، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، چ ۵، قم: بوستان کتاب.

۲۹. جان کلوورمونسما (۱۳۶۲)، اثبات وجود خدا، ترجمه: احمدآرام، چ ۵، تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.